

نگاهی به پیشینه «مهدویت» و «انتظار» در شعر فارسی

در روزگار آمدنت هستم؟!!



هادی قائم مقامی: شعر و به طور عام تر ادبیات فارسی در نسبت با موضوع منجی و «مهدویت» چه پیشینه‌ای دارد؟ شعر فارسی از چه زمانی با لحنی صریح تر به این موضوع پرداخته است؟ وضعیت ادبیات امروز در نسبت با مسأله انتظار و مهدویت چگونه است؟ این سوالات و سؤالاتی از این دست شاید در همه این سال‌ها مطرح شده. در این بین فضای ادبی جامعه روشنفکری با اصالت‌زدایی از امر انتظار، تلاش کرده محوری انتظار در شعر فارسی را محدود به آثار متاخر کند و پیشینه آن را نادیده بگیرد؛ پیشینه‌ای که از بیش از هزار سال پیش و به موازات پرداختن به موضوع منجی و انتظار، مسأله مهدویت را به صراحت پیش کشیده است. طبیعتاً وقتی از «مهدویت» سخن به میان می‌آید، اشعار، برداشت‌ها و توصیفات است که درباره امام عصر (عج)، غیبت و ظهور ایشان مدنظر است. باور به اصل مهدویت، در واقع باور به یک حقیقت موجود است. به تعبیر رهبر انقلاب «این حقیقت را در مذهب تشیع از شکل یک آرزو، از شکل یک امر ذهنی محض، به صورت یک واقعیت موجود تبدیل کرده است. حقیقت این است که شیعیان وقتی منتظر مهدی موعودند، منتظر آن دست نجات‌بخش هستند و در عالم ذهنیات غوطه نمی‌خورند؛ یک واقعیتی را جست‌وجو می‌کنند که این واقعیت وجود دارد». با همین نگاه، شاعران پارسی‌گو از سال‌های آغازین غیبت امام عصر (عج) با همه محدودیت‌هایی که از سوی حاکمان وقت اعمال می‌شده است، رگه‌هایی از اعتقاد به شیعه را در خود دارند. معروفی‌بلخی، یکی از شاعران معاصر رودکی، درباره مذهب یا اعتقاد او گفته است:

از رودکی شنیدم سلطان شاعران

کاندر جهان به کس مگرو جز به فاطمی

فردوسی نیز که از شاعران قرن چهارم هجری است در فریاد این اعتقاد در مقدمه شاهنامه می‌گوید:

بر این زادم و هم بر این بگذرم

چنان دان که خاک بی حیدرم

مسعود سعد سلمان که حبسیه‌های فراوان دارد، در وصف ممدوح خویش از مهدی و در کنار آن از دجال نام برده است:

مشهور شد از رأیت او آیت مهدی

منسوخ شد از هیبت او فتنه دجال

شاعران دیگر نیز با گرایش‌های شاید متفاوت ادبی و اعتقادی به بهانه ستایش ممدوح خویش نام مهدی را در شعر خود روان کرده‌اند:

از آن عهده که در سر دارد این عهد

بدین مهدی توان رستن در این مهد (نظامی گنجوی)

در مقاله «سیر تطور مفهوم «مهدویت» در سروده‌ها و

نوشته‌های فارسی ادیبان مذاهب اسلامی» با توضیحی ظریف درباره این اشعار آمده است: «در سده‌های آغازین هجری از نام مقدس «مهدی» بیشتر به عنوان یک نماد تاریخی استفاده می‌شده؛ نمادی که یادآور صلح و آرامش، قسط و عدل، پیروزی، جهان‌شمولی اسلام و نابودی کفر جهانی است؛ همان‌گونه که از دجال نیز به صورت نمادی که مظهر قساوت، فتنه، جنگ و خون‌ریزی و کفر و شرک است، یاد می‌کردند. از همین پیشینه ادبی می‌توان به اعتقاد راسخ مسلمانان به ظهور حضرت مهدی از سده‌های آغازین هجری تاکنون پی برد». (مجاهدی، ۱۳۸۰: ۶۳)

در قرن‌های بعد بویژه از قرون هفتم و هشتم، شاعران بسیاری، چه شیعه و چه سنی، از موضوع مهدویت در اشعار خود یاد

کرده‌اند؛ از جمله عطار، مولوی، ابن‌یمین فریومدی، شاه نعمت‌الله ولی، حافظ شیرازی، شیخ محمود شبستری، حسن کاشی، ابن‌حسام خوسفی و باباقلی شیرازی.

در همین سده‌هاست که حافظ، حافظه ما، در غزل‌هایی به صراحت و آشکارا و با لطافت به گستره و ثمره حکومت مهدی اشاره کرده است. گاه حوادث زمانه را بهانه‌ای برای سرودن این اشعار قرار داده است:

کجاست صوفی دجال فعل ملحدشکل

بگو بسوز که مهدی دین‌پناه رسید

غزل‌های متعدد دیگری از حافظ را نیز به موضوع «انتظار» منتسب می‌کنند. از جمله:

ای پادشاه خوبان، داد از غم تنهایی

دل بی تو به جان آمد و وقت که باز آیی

شب وصل است و طی نشد نامه هجر

سلام فیه حتی مطلع الفجر

یا رب آن آهوی مشکین به خشن باز رسان

وان سهی سرو خرامان به چمن باز رسان

ای غایب از نظر به خدا می‌سیارم

جانم بسوختی و به دل دوست دارم

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

برخی از غزل‌های عاشقانه حافظ حتی از سوی محققان و حافظ‌دوستان به عنوان اشعاری که به حضرت ولی‌عصر (عج) پرداخته‌اند، معرفی می‌شود:

آن سیه‌چرده که شیرینی عالم با اوست

چشم میگون لب خندان دل خرم با اوست

گرچه شیرین‌دهنان پادشهانند ولی

او سلیمان زمان است که خاتم با اوست

مولوی نیز البته با گرایشی متفاوت به موضوع مهدویت پرداخته است:

پس به هر دوری ولی‌ای قائم است

تا قیامت آزمایش دائم است

شیخ محمود شبستری، عارف و عالم قرن هشتم، در منظومه گلشن راز درباره نبوت و ولایت گفته است:

نبوت را ظهور از آدم آمد

کمالش در وجود خاتم آمد

ولایت بود باقی تا سفر کرد

چو نقطه در جهان دور دگر کرد

ظهور کل او باشد به خاتم

بدو یابد تمامی هر دو عالم

در این سده و سده‌های دیگر شاعرانی چون اهلی شیرازی، وحشی‌باقی (قرن دهم)، نظیری نیشابوری، فیاض لاهیجی، ملامحسن فیض کاشانی، صائب تبریزی (قرن یازدهم)، محمدعلی حزن لاهیجی، واعظ قزوینی، هاتف‌اصفهانی، لطف‌علی بیگ‌آذر، بیگدلی قمی (قرن دوازدهم)، وصال‌شیرازی، داوری‌شیرازی، سروش اصفهانی، قالی شیرازی، محمودخان صبا کاشانی (قرن سیزدهم)، عمان سامانی، محمدکاظم صبوری، حاج میرزا حبیب خراسانی، ادیب‌الملک فراهانی، فرصت‌شیرازی، ادیب پیشاور، ادیب‌نیشابوری و شیخ محمدحسین غروی‌اصفهانی (قرن چهاردهم) با موضوع مهدویت شعر سروده‌اند. این سلسله ارزشمند تا شاعران معاصر نیز رسیده است.

ملک‌الشعرا بهار چنین می‌سراید:

گر نهان است، یکی روز عیان خواهد شد

آشکار از رخسار آن باز نهان خواهد شد

در همه گیتی فرماتش روان خواهد شد

آنچه خواهی بمحمدالله آن خواهد شد

تا رسد دست من آن روز بدان دامن پاک

نهم امروز بدین در، سر طاعت بر خاک

کوتاه درباره ۲ رمان پرطرفدار پیرامون انتظار

ما و رؤیای نیمه شب

به چاپ برسد، از منظری متفاوت به مسأله مهدویت می‌پردازد و با نقد جامعه منتظر رویکرد متفاوتی را در پرداخت به موضوع مهدویت در پیش می‌گیرد. شروع متفاوت «کمی دیرتر» نیز قابل تأمل است. در شب نیمه شعبان، مرد جوانی برخلاف شعار واحد افراد حاضر در آن جشن فریاد «آقا نیا» سر می‌دهد. به تعبیر یکی از معرف‌های کتاب در فضای مجازی این شروع جذاب ما را با شخصیت‌هایی آشنا می‌کند که همه مدعی انتظارند اما وقتی هنگامه عمل به شعارها می‌رسد، آن نمی‌کنند که می‌گفتند. رمان در فضای مکاشفه‌گونه و بی‌زمان پیش می‌رود و مواجهه همه آدم‌ها را می‌بینیم با قصه ظهور...



و کشف چرایی «آقا نیا»ی جوان، نمایش همه تپها و گروه‌ها و افسار که با بهانه‌های‌شان برای نخواستن یا خواستن امر ظهور شناسانده می‌شوند نیز از نکات دیگر کتاب است. کمی دیرتر در واقع رویکرد نقادانه به جامعه دارد و نویسنده از منظر خود دلایل محقق نشدن امر فرج را با قرار دادن آدم‌های قصه در بونه از مومن و محک زدن صداقت‌شان بررسی می‌کند. مخاطب با خواندن این کتاب به چالش و کشمکش درونی با خود می‌رسد و از خویش می‌پرسد که آیا یک منتظر واقعی است؟ سیدمهدی شجاعی در بخشی از این کتاب می‌نویسد: «بارها در طول نوشتن این رمان دچار تردید و دودلی شدم. یک دلم می‌گفت: بیا و از خیر این کار بگذر و برای خودت دشمن تراشی نکن. عقل هم چیز خوبی است! مثل مگس بر روی زخم‌ها و عفونت‌ها نشین! خوبی‌ها را ببین. دل دیگر می‌گفت: نویسنده باید آینه باشد. آینه اگر زشتی‌ها را ببویشد فقط زیبایی‌ها را نشان دهد که دیگر آینه نیست... سرت را درد آورد ولی دوست داشتم بدانی که در طول این کار با خودم چه دست و پنجه‌هایی نرم کردم. به خودم گفتیم عموم کسانی که پیش از این تقدیر و تحسینت می‌کردند، بعد از انتشار این کار، ممکن است تقیب و نکوهش کنند».



توجه به مسأله موعود و آخرالزمان در ادبیات و سینمای جهان، این سوال را به‌وجود می‌آورد که چرا با همه باورمندی به موضوع انتظار و آن هم انتظار یک حقیقت زنده، کمتر شاهد نمونه‌هایی هستیم که بشود از آنها به عنوان آثاری استراتژیک در حوزه ادبیات کشور بویژه رمان یاد کرد؛ با اینکه تجربه نشر نشان داده آثار قدرتمند در این حوزه همواره با استقبال مواجه شده‌اند. نمونه اخیر آن که به تعداد چاپ‌های فراوان نیز رسید، «رؤیای نیمه‌شب» بود که عاشقانه‌ای با محوریت انتظار بود. کاربران شبکه‌های اجتماعی این کتاب را تبلیغ می‌کردند. در ایام چاپ‌های اول این کتاب پیام‌هایی با مضمون دعوت به خواندن این کتاب و ترویج آن در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شد. در این بین مزج شدن یک حادثه به غایت دینی و الهی با عاشقانه‌های دوست‌داشتنی یکی از نکاتی است که خوانندگان را به سمت مطالعه این رمان سوق می‌دهد. ترویج معارف تشیع که کاری بزرگ و با اهمیت است هم در این کتاب مورد توجه قرار گرفته است. یکی از علاقه‌مندان مردمی این کتاب در مطلبی که در یکی از شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده است با انتشار بخشی از این کتاب پیرامون معارف شیعه، مردم را به مطالعه آن توصیه کرده است: «ما شیعیان از پیامبر (ص) و اهل‌بیت او پیروی می‌کنیم. آن حضرت فرموده‌اند که اهل‌بیت ایشان علی، فاطمه، حسن و حسین هستند. راستی هاشم تو چیزی از ماجرای غدیر شنیده‌ای؟» استقبال کاربران از طیف‌های مختلف فکری و فرهنگی از این رمان عاشقانه، در واقع تقدیری از نویسنده خوش‌ذوق آن یعنی مظفر سسالاری است که اینگونه زیبا توانسته عاشقانه انتظار را به تصویر بکشد. «کمی دیرتر» از سیدمهدی شجاعی رمان دیگری است که در سال‌های اخیر با استقبال مواجه شده است. این رمان که نخستین‌بار در سال ۱۳۹۰ توسط انتشارات نیستان به چاپ رسیده و به گفته نویسنده در ابتدا قرار بوده با نام «آقا نیا»

به جز مهر رخت خورشید ما کیست؟
الای آفتاب آشنایی
چنین در پشت ابر غم، چه پایی؟
بنه یا در رکاب مهریانی
بتاز اسب امید آسمانی
شاعر در بیت‌های بعدی شرایط اضطراب و اضطراب در عصر انتظار را نیز تصویر می‌کند:
الای باغبان آسمانی
نگه کن سوی بستان گر توانی
نبینی خار در چشم گل افتاد؟
نبینی عصمت گل رفت بر باد؟
زالای چشمه‌های نور، خورشید سحر هم جامه‌های تیره، پوشید سپیدی‌های چشمان هم سیه شد
تپیدن‌های دل‌هامان، تپه شد
قدم رفتار را از یاد برده
تن، استادست اما دیر، مرده
ز جسم خفته کی تالی برآید؟
زجاه مرده کی آبی برآید؟
همی تا سوختن گیرد، دلی نیست
برای ساختن آب و گلی نیست
شب است و شب، سیاهی و سیاهی
غم و غم، بی‌پناهی، بی‌پناهی
ریا بر گرد دل‌ها بسته پرچین
به زرف چشمه‌ها بی‌بازی و کین
نهال مردمی از بیخ چیده
شرف در کنج غم، عزلت گزیده
چراغ راستی هم بی‌فروغ است
چراغی نیست خود، این هم دروغ است
دلی از غم در این دنیا جدا نیست
چهان با چهر لیخند آشنا نیست
تو بازآ، تا دگر جان باز آید
خدا برگرده، انسان باز آید
در کنار این نام‌های استوار شعر فارسی معاصر می‌توان از ده‌ها شاعر از دست رفته و سالخورده و جوان نام برد که اشعاری با قوت و قدرت در باب انتظار دارند.



اعتراض، انقلاب، انتظار

قدرتمندی با موضوع انتظار سروده‌اند. به جنبه کنشگری و غیرانفعالی شعر صفارزاده توجه کنید که قطعاً از جنبه‌های درس‌آموز برای شاعران جوان است:
همیشه منتظرت هستم
بی آنکه در رکود نشستن باشم
همیشه منتظرت هستم
چونان که من
همیشه در راهم
همیشه در حرکت هستم
همیشه در مقابله...

بویابی شعر انتظار را از همین سروده می‌توان به روشنی درک کرد. یا این سروده نیمایی «قیصر امین‌پور» که سیمای یک آرنانشهر است که پس از ظهور تحقق می‌یابد:
ای روز آفتابی!
ای مثل چشم‌های خدا آبی!
ای روز آمدن!
ای مثل روز، آمدنت روشن!
این روزها که می‌گذرد، هر روز در انتظار آمدنت هستم!
اما، یا من بگو که آیا

در روزگار آمدنت هستم؟!
یا این سروده دیگر از قیصر امین‌پور که بیانگر «مهد انتظار» است:
طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی
ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی
دوباره پلک دلم می‌برد نشانه چیست؟
شنیده‌ام که می‌آید کسی به مهمانی
کسی که سبز تر است از هزار بار بهار
کسی شگفت کسی آنچنان که می‌دانی
کسی که نقطه آغاز هرچه پرواز است
تویی که در سفر عشق خط پایانی
تویی بهانه آن ابرها که می‌گریند
بیا که صاف شود این هوای بارانی
تو از حوالی اقلیم هر کجا آباد

شعر معاصر در دوران پیش از انقلاب اسلامی درونمایه‌هایی پررنگ از «اعتراض به وضع موجود» دارد. اعتراضی دائمی و مستمر برای رسیدن به آرمانشهری که جز با ظهور انسان کامل تحقق نمی‌یابد. مسیر این شعر که شاید بتوان اشعاری از چهره‌های مطرح شعر نور نیز در آن دسته‌بندی کرد، متأثر از موضوع انتظار است. «تو را من چشم در راهم» نیما یوشیج و «کسی که مثل هیچکس نیست» از فروغ فرخزاد که یکی از زیباترین اشعار او نیز هست، اشاره‌ای به این مهم دارد:

کسی که مثل هیچکس نیست...
در سال‌های پیش از انقلاب است که چهره‌هایی نظیر دکتر شریعتی اساساً با تعبیری چون «انتظار؛ مذهب اعتراض» به این اتفاق در شعر فارسی کمک می‌کنند. پس از انقلاب اسلامی شعر انتظار از سوی شاعران جدی‌تری از گذشته پیگیری می‌شود. به نحوی که به جدی‌ترین درونمایه اشعار شاعران جوان در سال‌های اخیر بدل می‌شود. شاعران جوانی که به پشتوانه چهره‌های تأثیرگذار و دانشمندی چون طاهر صفارزاده، سیدعلی موسوی گرماردی، قیصر امین‌پور، قادر طهماسبی، زکریا اخلاقی و دیگران اشعار

کسی که مثل هیچکس نیست...
در سال‌های پیش از انقلاب است که چهره‌هایی نظیر دکتر شریعتی اساساً با تعبیری چون «انتظار؛ مذهب اعتراض» به این اتفاق در شعر فارسی کمک می‌کنند. پس از انقلاب اسلامی شعر انتظار از سوی شاعران جدی‌تری از گذشته پیگیری می‌شود. به نحوی که به جدی‌ترین درونمایه اشعار شاعران جوان در سال‌های اخیر بدل می‌شود. شاعران جوانی که به پشتوانه چهره‌های تأثیرگذار و دانشمندی چون طاهر صفارزاده، سیدعلی موسوی گرماردی، قیصر امین‌پور، قادر طهماسبی، زکریا اخلاقی و دیگران اشعار

کسی که مثل هیچکس نیست...
در سال‌های پیش از انقلاب است که چهره‌هایی نظیر دکتر شریعتی اساساً با تعبیری چون «انتظار؛ مذهب اعتراض» به این اتفاق در شعر فارسی کمک می‌کنند. پس از انقلاب اسلامی شعر انتظار از سوی شاعران جدی‌تری از گذشته پیگیری می‌شود. به نحوی که به جدی‌ترین درونمایه اشعار شاعران جوان در سال‌های اخیر بدل می‌شود. شاعران جوانی که به پشتوانه چهره‌های تأثیرگذار و دانشمندی چون طاهر صفارزاده، سیدعلی موسوی گرماردی، قیصر امین‌پور، قادر طهماسبی، زکریا اخلاقی و دیگران اشعار

کسی که مثل هیچکس نیست...
در سال‌های پیش از انقلاب است که چهره‌هایی نظیر دکتر شریعتی اساساً با تعبیری چون «انتظار؛ مذهب اعتراض» به این اتفاق در شعر فارسی کمک می‌کنند. پس از انقلاب اسلامی شعر انتظار از سوی شاعران جدی‌تری از گذشته پیگیری می‌شود. به نحوی که به جدی‌ترین درونمایه اشعار شاعران جوان در سال‌های اخیر بدل می‌شود. شاعران جوانی که به پشتوانه چهره‌های تأثیرگذار و دانشمندی چون طاهر صفارزاده، سیدعلی موسوی گرماردی، قیصر امین‌پور، قادر طهماسبی، زکریا اخلاقی و دیگران اشعار

یار، آمدنی است

فروغ بخش شب انتظار، آمدنی است
رفیق، آمدنی، غمگسار، آمدنی است
به خاک کوچده دیدار، آب می‌باشند
بخوان ترانه، بزین تاز، یار، آمدنی است
بین چگونه قناری ز شوق می‌لرزدا
مترس از شب یلدا، بهار، آمدنی است
صدای شبهه اسب ظهور می‌آید
خبر دهید به باران، سوار، آمدنی است
بس است هر چه پلنگان به ماه خیره شدند
یگانه فاتح این کوهسار، آمدنی است

مرثی امیری‌اسفندقه

بی‌قراری ما

به دست غیر می‌بازد امیدواری ما
نیامده است به جز ما کسی به یاری ما
به رنج راه بیامیز تا بیاموزی
به خط آبله، اسرار پایداری ما
مدام داغ جوان دیده‌ایم و در تشییع
ندیده است کسی اشک سوگواری ما
به سربلندی سرویم و استواری کوه
به رودهای جهان رفته بی‌قراری ما
نمانده جای شکایت که در پی هر زخم
بلندتر شده تو مار بردباری ما
بهار می‌رسد و پیش پای آمدنش
خوشا که سرخ شود جامه بهاری ما

میلاد عرفان پور